

# نکات مهم قانون مجازات (جزای اختصاصی – قصاص)

وبلاگ حقوقی سعید شاکر

<http://www.dadban1365.blogfa.com/>

نکات :

۱. ماده ۲۸۹:

جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم است :

عمدی

شبه عمدی

خطای محض

۲. ماده ۲۹۲:

### جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می شود :

۱	<b>الف:</b> در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود. ✓ <b>نکته:</b> هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایات بر دیگری می گردد، جنایت عمدی محسوب می شود.
۲	<b>ب:</b> به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.
۳	<b>پ:</b> جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید. ✓ <b>نکته:</b> هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایات بر دیگری می گردد، جنایت عمدی محسوب می شود.

### ۳. جنایات شبه عمدی :

**الف:**

۱. هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته.
۲. لکن قصد جنایت نداشته باشد.
۳. رفتارش هم نوعاً سبب جنایت نشود (از شمول تعریف جنایت عمدی خارج باشد)
۴. ولی در عمل باعث وقوع جنایت شود.

✓ **مثال:** مانند آنکه کسی را به قصد تأدیب به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد.

✓ **مثال:** شخصی بطور اتفاقی با دیگری نزاع می کند و عمداً مشتکی بر کتف او می زند و مصدوم در اثر آن می میرد این قتل ، **قتل شبه عمدی** است. ( **نکته:** زیرا قاتل قصد فعلی را نموده که نوعاً سبب جنایت نمی شود و قصد جنایت را نیز نسبت به مجنی علیه نداشته است.)

✓ **مثال:** طبیبی که مباشرتاً بیماری را بطور متعارف معالجه می کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او می شود ، مرتکب **جنایت شبه عمدی** شده است.

**ب:** وقتی که مرتکب **جهل به موضوع** داشته باشد و بعد خلاف آن ثابت گردد. (مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی **شیء یا حیوان یا مهدورالدم** است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.)

✓ **مثال:** مانند تیراندازی به گمان اینکه هدف **حیوان** است اما بعد معلوم گردد انسان است.

✓ **مثال:** یا کسی به گمان اینکه شخصی **مهدورالدم** است و می تواند وی را بکشد اقدام نماید اما بعد خلاف آن اثبات گردد.

✓ **مثال:** مانند اینکه شخص الف ، به گمان اینکه شخص ب ، مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است شده ، و او را بکشد، سپس خلاف آن معلوم گردد، **جنایت شبه عمدی** است.

**پ:** هرگاه جنایت به سبب **تقصیر مرتکب** واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.

✓ **مثال:** مانند اینکه راننده اتومبیل، چراغ های اتومبیل را در شب روشن نکند

✓ **مثال:** مانند اینکه صاحب مصالح و موادی که در معبر عمومی قرار دارد، نشانه ای بر آنها قرار ندهد.

هر گاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد لکن نتیجه رفتار ارتكابی، بیشتر از مقصود وی واقع شود، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نشود:



✓ **مثال:** مانند آنکه انگشت کسی را قطع کند و به سبب آن دست وی قطع شود و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت **عمدی** و نسبت به قطع دست یا فوت **شبه عمدی** است.

۵. اگر کسی به علت **اشتباه در هویت**، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی علیه و فرد مورد نظر هر دو مشمول ماده ۳۰۲ (موارد مهدورالدم) این قانون نباشند، **جنایت عمدی** محسوب می شود.

✓ **مثال:** (اشتباه در هویت) اگر کسی به قصد قتل حسن به سوی او تیراندازی کند، لکن تیر به حسین برخورد کند و موجب قتل حسین شود این شخص مرتکب **جنایت عمدی** شده است.

✓ **مثال:** (اشتباه در موضوع) هرگاه کسی دیگری را به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت گردد و بعد معلوم شود که مجنی علیه مهدورالدم نبوده **جنایت شبه عمد** است.

## ۶. شرایط مجازات قارک فعل :

۱. هر گاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا قانون وظیفه خاصی را بر عهده او گذاشته است. ترک کند و به سبب آن جنایتی واقع شود
۲. چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد.
۳. و جنایت حاصل، به او مستند باشد
۴. حسب مورد عمدی، شبه عمدی و یا خطای محض است.

✓ **مثال :** مانند اینکه مادر یا دایه ای که شیر دادن را بر عهده گرفته است ، کودک را شیر ندهد.

✓ **مثال :** پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.

**مثال :** اگر مادر یا دایه ای که شیر دادن را برعهده گرفته است، عمداً به طفل شیر ندهد و تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد و کودک بمیرد، جنایت عمدی از طریق **ترک فعل** است.

۷. هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی شود **لکن** در خصوص مجنی علیه به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود **مشروط به آنکه** مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی **آگاه و متوجه** باشد. **(نکته : تنها در این حالت جنایت عمدی محسوب می شود).**

### شرایط قصاص

۸. **پدر یا جد پدری** که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به **پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.**
۹. چنانچه مجنی علیه **مسلمان** باشد، مسلمان نبودن مرتکب ، مانع قصاص نیست.
۱۰. جنایت عمدی نسبت به **نابالغ**، موجب **قصاص است.**
۱۱. مرتکب جنایت عمدی نسبت به **مجنون** به **پرداخت دیه و مجازات تعزیری** محکوم می شود.

۱۲. جنایت عمدی بر جنین ، هر چند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست در این صورت به پرداخت دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود.

❖ نکته : اگر جنین زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات باشد و جنایت قبل از تولد ، منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند قصاص ثابت است.

۱۳. ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر ، روان گردان و مانند آنها ، موجب قصاص است

مگر اینکه ثابت شود : بر اثر مستی و عدم تعادل روانی ، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است که در این صورت به پرداخت دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود.  
لکن اگر ثابت شود :

❖ که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده  
❖ یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت از جانب او می شود. جنایت عمدی محسوب می گردد.

۱۴. اصل بر مسئولیت مرتکب جرم در حالت مستی قرار داده است مگر آنکه مسلوب الارده شدن مرتکب اثبات شود.

۱۵. اگر حالت سابق بر زمان جنایت، افاقه مرتکب بوده است، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود ؛ در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی او قصاص ثابت می شود.

۱۶. هرگاه غیر مسلمان ، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد شود، حق قصاص ثابت است.

۱۷. اگر مسلمان ، مرتکب جنایت عمدی بر غیر مسلمان شود، قصاص نمی شود لکن به مجازات تعزیری محکوم می شود.

۱۸. اگر مجنی علیه غیر مسلمان باشد و مرتکب پیش از اجرای قصاص ، مسلمان شود ، قصاص ساقط است. و به پرداخت دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود.

## قسامه

۱۹. **قسامه** : عبارت از سوگند هایی است که در صورت فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر و وجود لوث :

❖ شاکي برای اثبات جنایت عمدی یا غیر عمدی یا خصوصیات آن  
❖ و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می کند.

۲۰. **لوث** : عبارت از وجود قرائن و اماراتی است که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب از جانب متهم می شود.

❖ **نکته** : فقدان قرائن و امارات موجب ظن و صرف حضور فرد در محل وقوع جنایت، از مصادیق لوث محسوب نمی شود و او با ادای **یک سوگند** ، تبرئه می شود.

❖ **نکته** : مقام قضایی **موظف** است در صورت استناد به قسامه، قرائن و امارات موجب لوث را در حکم خود ذکر کند.

❖ **ماده ۳۱۷**

۲۱. ماده ۳۱۸ :

اگر شاکي اقامه قسامه نکند و از مطالبه قسامه از متهم نیز خودداری ورزد:

در جنایات غیر عمدی

بدون اخذ تأمین آزاد می شود

لکن حق اقامه قسامه یا مطالبه آن برای شاکي باقی می ماند.

اگر شاکي اقامه قسامه نکند و از مطالبه قسامه از متهم نیز خودداری ورزد:

متهم در جنایات عمدی

با تأمین مناسب آزاد می شود

در این صورت حداکثر ۳ ماه به شاکي فرصت داده می شود تا اقامه قسامه کند و پس از پایان مهلت از تأمین اخذ شده، رفع اثر می شود

لکن حق اقامه قسامه یا مطالبه آن برای شاکي باقی می ماند.



❖ **نکته :** پس از اقامه قسامه توسط متهم ، شاکی نمی تواند با **بینه یا قسامه**، دعوا را علیه متهم تجدید کند.

۲۳. اتیان سوگند به وسیله افراد **قابل توکیل نیست**.

۲۴. اگر مجنی علیه یا ولی دم فوت کند هر یک از وارثان متوفی، بدون نیاز به توافق دیگر ورثه متوفی یا دیگر اولیای دم، حق مطالبه یا اقامه قسامه را دارند.

۲۵. رجوع شاکی از اقرار به انفراد مرتکب، پس از اقامه قسامه مسموع نیست.

۲۶. ماده ۳۲۵:

۲۷. ماده ۳۳۰: اگر نسبت به خصوصیات جنایت لوث حاصل نشود و **یا سوگند خورندگان بر آن**

**خصوصیات سوگند یاد نکنند** و فقط بر انتساب جنایت به مرتکب سوگند بخورند اصل

ارتکاب جنایت اثبات می شود و **دیه تعلق می گیرد**. ( **نکته :** در این صورت قصاص ثابت نمی شود و فقط دیه تعلق می گیرد)

۲۸

**در صورتی که شاکی  
متعدد باشد**

• اقامه یک قسامه برای همه آنان کافی است. (قسم ۵۰ نفر کفایت می کند)

**در صورتی که متهمان  
متعدد باشند**

• برای برائت هر یک ، اقامه قسامه مستقل لازم است.

**نکته :** در صورت تعدد متهمان ، هر یک از آنها می توانند به نفع متهم دیگر ، در قسامه شرکت کنند.

۳۰. نصاب قسامه در اثبات قتل عمدی، **سوگند ۵۰ مرد** از خویشاوندان و بستگان مدعی . با تکرار

سوگند قتل ثابت نمی شود (نکته: فقط باید ۵۰ مرد باشد و نمی توانند سوگند را تکرار کنند)

❖ **در مورد مدعی باید ۵۰ نفر باشند و سوگند تکرار نمی شود.**

❖ **اما در مورد متهم در صورتی که تعداد آنها کمتر از نصاب باشد،**

سوگند ها تا تحقق نصاب، توسط آنان یا خود او تکرار می شود و با

نداشتن اداء کننده سوگند، **خود متهم**، خواه مرد باشد خواه زن ، همه

سوگند ها را تکرار می نماید و تبرئه می شود.

۳۱. سوگند شاکی، خواه مرد باشد خواه زن، جزء نصاب محسوب می شود.

۳۲. اگر احتمال آن باشد که اداء کننده سوگند، بدون علم و بر اساس ظن و گمان یا با تبانی

سوگند می خورد : **مقام قضایی موظف به بررسی موضوع است.** اگه پس از بررسی ، امور یاد

شده احراز نشود ، سوگند وی معتبر است.

۳۳. لازم است اداء کنندگان سوگند از کسانی باشند که **احتمال اطلاع آنان بر وقوع جنایت**،

**موجه باشد.**

۳۴. ماده ۳۴۴:



۳۵. **اگر پس از صدور حکم**، بطلان همه یا برخی از سوگندها ثابت شود مانند آنکه برخی از ادا کنندگان سوگند از سوگندشان عدول کنند یا دروغ بودن سوگند یا از روی علم نبود سوگند، برای دادگاه صادر کننده حکم ثابت شود، **مورد از جهات دادرسی است.** (ماده ۳۴۶...مهم)

### صاحب حق قصاص

۳۶. صاحب حق قصاص **در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم** می تواند به طور **مجانی یا با مصالحه**، در برابر حق یا مال گذشت کند.

۳۷. حق قصاص به همه وراث ارث می رسد به جزء زوج و زوجه، که به زوج و زوجه ارث نمی رسد.

۳۸. **ولی دم، همان ورثه مقتول است** به جزء زوج و زوجه او که حق قصاص ندارد.

۳۹. در صورت تعدد اولیای دم، حق قصاص **برای هر یک از آنان به طور جداگانه ثابت است.**

۴۰. ماده ۳۴۹ مهم:

۴۱. اگر حق قصاص، **به هر علت،** تبدیل به دیه شود یا به مال یا حقی مصالحه شود، **همسر مقتول**

**نیز از آن ارث می برد.**

۴۲. اگر برخی از اولیای دم، خواهان قصاص و برخی خواهان دیه باشند، همسر مقتول، از سهم

کسانی که خواهان دیه می باشند، ارث می برد.

۴۳. هر گاه صاحب حق قصاص فوت کند، حق قصاص به ورثه اومی رسد حتی اگر همسر مجنی

علیه باشد.

۴۴. اگر مرتکب یا شریک در جنایات عمدی، از ورثه باشد:

❖ ولی دم به شمار نمی آید

❖ و حق قصاص ندارد

❖ و قصاص را نیز به ارث نمی برد.

۴۵. ماده ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۶:

۴۶. اگر مجنی علیه یا ولی دم، گذشت و اسقاط قصاص را مشروط به پرداخت وجه المصلحه یا

امر دیگری کند، **حق قصاص تا حصول شرط، برای او باقی است.**

۴۷. گذشت یا مصالحه، پیش از صدور حکم **یا پس از آن**، موجب سقوط حق قصاص است.

۴۸. رجوع از گذشت پذیرفته نیست. اگر مجنی علیه یا ولی دم، پس از گذشت، مرتکب را

قصاص کند، **مستحق قصاص است.**

۴۹. در **قتل و سایر جنایات عمدی** مجنی علیه می تواند پس از وقوع جنایات و پیش از فوت از

حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی توانند پس از فوت او

حسب مورد مطالبه قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به **تعزیر محکوم می شود.**

## شرکت در جنایت

۵۰. اگر عده ای ، آسیب هایی را بر مجنی علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب ها موجب قتل او شود فقط واردکنندگان این آسیب ها، شریک در قتل می باشند و دیگران حسب مورد، به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می شوند.

۵۱. قتل یا هر جنایت دیگر، می تواند نسبت به هریک از شرکاء حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض باشد.

۵۲. هر گاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند **قاتل همان نفر دوم است** اگر چه آسیب سابق به تنهایی موجب مرگ می گردید و اولی فقط به **قصاص عضو محکوم می شود**.

۵۳. هر گاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیر مستقر او پایان دهد :

- نفر اول قصاص می شود
- نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می گردد.

## اکراه در جنایت

۵۴. اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب ، **قصاص می شود** و اکراه کننده ، به **حبس ابد محکوم می گردد**.

۵۵. اگر اکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد **فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است**.

۵۶. اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقله او دیه مقتول را می پردازد. اکراه کننده به **حبس ابد محکوم می شود**.

۵۷. اگر اکراه کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود، به مجازات **معاون در قتل محکوم می شود.**

۵۸. اکراه در **جنایت بر عضو موجب قصاص اکراه کننده است.**

۵۹. ماده ۳۷۹ مهم.

۶۰. اگر شخصی برای دفاع و رهایی از اکراه با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع، مرتکب قتل اکراه کننده شود یا آسیبی به او وارد کند، **قصاص، دیه و تعزیر ندارد.**

۶۱. اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند، اولیای دم هر یک از مقتولان می توانند به تنهایی و بدون گرفتن رضایت اولیای مقتولان دیگر و بدون پرداخت سهمی از دیه به آنان اقدام به قصاص کنند.

۶۲. اگر جنایت بر عضو، دارای مراتب باشد، **مجنی علیه می تواند با رضایت مرتکب قسمتی از جنایت را قصاص کند.** مانده آنکه در **جراحی موضعه به متلاحمه** و در **قطع دست از آرنج به قطع دست از مچ بسنده** و از قصاص قسمت دیگر گذشت یا مصالحه نماید.

۶۳. اگر عضو مورد جنایت، سالم یا کامل باشد و عضو مرتکب، ناسالم یا ناقص باشد، **مجنی علیه می تواند قصاص کند یا با رضایت مرتکب، دیه بگیرد.**

۶۴. عضو قوی و صحیح، در برابر عضو ضعیف و معیوب غیر فلج، قصاص می شود.

۶۵. اگر عضو مورد جنایت، زائد باشد و مرتکب، عضو زائد مشابه نداشته باشد، **به پرداخت ارش محکوم می شود.**

۶۶. اگر شخصی بدون آسیب رساندن به حدقه چشم دیگری، بینایی آن را از بین ببرد، فقط بینایی چشم مرتکب، قصاص می شود، چنانچه بدون آسیب به حدقه چشم مرتکب، قصاص ممکن نباشد، تبدیل به دیه می شود و مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود.

۶۷. قطع لاله گوش که موجب زوال شنوایی یا قطع بینی که موجب زوال بویایی شود، **دو جنایت محسوب می شود.**

۶۸. زبان گویا در برابر زبان کودکی که هنوز به حد سخن گفتن نرسیده است، **قصاص می شود مگر آنکه لال بودن کودک ثابت شود.**

۶۹. اگر دندان مرتکب ، پس از اجرای قصاص بروید، مجنی علیه حق قصاص دوباره آن را ندارد.

۷۰. در قصاص ، اذن مقام رهبری یا نماینده او لازم است.

۷۱. اگر صاحب حق قصاص ، برخلاف مقررات اقدام به قصاص کند به تعزیر محکوم می شود.

۷۲. هیچ کس غیر از مجنی علیه یا ولی او حق قصاص مرتکب را ندارد و اگر کسی بدون اذن آنان او را قصاص کند ، **مستحق قصاص است.**

۷۳. زن حامله، که محکوم به قصاص نفس است ، نباید پیش از وضع حمل قصاص شود . اگر پس از وضع حمل نیز بیم تلف طفل باشد، تازمانی که حیات طفل محفوظ بماند، قصاص به تاخیر می افتد.

۷۴. مداوا و بیهوش کردن مرتکب و بی حس کردن عضو او پس از اجرای قصاص جایز است.

۷۵. اگر شخصی همه یا مقداری از عضو دیگری را قطع کند مجنی علیه قسمت جدا شده را پیوند بزند، قصاص ساقط نمی شود.

سعید شاکر

موفق باشید